

دکتر یونس جعفری

دعای کالج - دعای

## نامه وارده

(کلمه اوشا)

حضور محترم سرور گرامی جناب آقای وحیدزاده ( نسیم ) مدیر دانشمند  
مجله ارمغان .

بعد از سلام آرزوی موفقیت مستمر جناب عالی را دارم و امیدوارم که هیچ کسالتی نداشته  
و همیشه خوش و سالم باشید. بیش از یکسال است که نامه ها بین این بنده و آن جناب عالی تبار  
قطع شده است و سبب این مقاطعه این بود که من در تمام این مدت مشغول ترجمه کتاب گرانقدر  
مأموریت برای وطنم - تألیف اعلی حضرت همایون محمد رضا پهلوی آریامهر شاهنشاه  
نامدار ایران بوده ام و اکنون زیر چاپ است و انشاء الله این کتاب بدو زبان ( اردو و  
هندی ) انتشار خواهد یافت . ولی با وجود این سرگرمی و مشغولیت از جناب عالی هم  
غافل نبوده ام و بهیچ وجه آن وجود عزیز را فراموش نکردم .

چندی پیش ضمن مطالعه مقاله که بعنوان پارسی سره نوشته فرج الله بینش در  
مجله ارجمند ارمغان ( شماره ۵ مردادماه ۱۳۵۰ هجری شمسی ) انتشار یافته بود در  
صفحه ۳۴۷ با کلمه ( اوشا ) برخورددم .

اگر اجازه بفرمائید بنده نیز میخواهم در باره کلمه ( اوشا ) جملاتی ذکر کنم  
که بی شک پس از روشن ساختن این کلمه و چگونگی استعمال و اصل آن علاقه و ارتباط  
زبان فارسی به زبان هندی را بخوبی روشن میسازد .

اول باید گفت که کلمه ( اوشا ) در اکثر زبانها و لهجه های محلی کنونی هند و  
در سانسکرت و در زبان ویدائی نیز ذکر شده .

ثانیاً نكفته نماند كه هندوها معمولاً دخترها را اسم (اوشا) ميگذارند (چند شركت نيز با اسم اوشا ناميده شده و حتماً در ايران با بنكه اوشا و عاشين دوزنگي اوشا بر خورد کرده باشيد) معنی این کلمه سحرگاه و بامداد آمده و اصل تلفظ این کلمه در زبان هندی ادبی و سانسکریت بر وزن خوشا آمده ولی در تکلم معمولاً بر وزن کوشا تلفظ میشود .

اینجا بنده باید بگویم که بنا به نظر علمای هند و خاورشناسان سانسکریت دان که معتقدند آریائیها در حدودش هزار سال الی هزار و دوست سال قبل از میلاد مسیح وارد این شبه قاره (هندوپاکستان فعلی) شدند اینها بومیها را که معمولاً سیاه چرده بودند و زبانشان را پاك ندانسته و به آنها اجازه نمیدادند که به زبان مقدس آریائیها صحبت کنند چون ایشان معتقد بودند که زبان آریائیها زبان آسمانی است ولی چون با سیاه پوستان رابطه داشتند و در نتیجه نزدیک بودن کم کم کلمات بومی وارد زبان آریائیها شد و این زبان که مخلوط به کلمات بومی بود و از اصل تا اندازه ای منحرف گشته آنرا زبان ویدائی یا ویدك سانسکریت نامیدند ( معنی کلمه سانسکریت مصفا، پاك و متمدن می باشد ) .

در ناحیه ملتان فعلی در سرزمین پاکستان غربی یکنفر آریائی بنام پاننی در حدود ۵۰۰ قبل از میلاد مسیح زندگی میکرد - این شخص تصمیم گرفت تمام کلمات بومیها را از زبان آریائیها خارج کند و بر این اساس از خود دستور زبانی مرتب کرد و برای زبان آریائیها اصول دستوری نهاد. زبانیکه پیش از دستور پاننی نوشته و بین مردم متداول بود زبان ویدك سانسکریت، بعد از دستور پاننی زبان سانسکریت یا الوکیك سانسکریت نامیدند و معنای آن زبان مردم متمدن است .

نیز علمای هند معتقدند که اولین کتاب جهان که دست ما رسیده کتاب (ریگ ویدا) می باشد که چکیده و گویای اصول دیانت آریائیها در آن زمان بوده است . در این

کتاب کلمه ( اوشا ) بمعنای بام-داد و سحرگاهان آمده و در اغلب داستانهای کهن هند اوشا بمعنی دختر آسمان و خواهر شب آمده است . هندیها اوشا را ربه النوع میدانند که میترا ( آفتاب ) عاشق و دلخواه اوست . همینکه میترا اوشا را ببیند دنبالش میآید و اوشا از او فرار میکند و این جریان هر روز در آسمان تکرار میشود . بدنیست که اینراهم اضافه کنم که الهه زیبای اوشا سوار درشکه باشکوهی شده که اسبهای سرخ رنگ آنرا میکشند .

اوشا مانند دختری رفاصه بنظر می آید که لباس نیز بسیار گرانبها است و معمولاً از این لباس رفاصهها درهند استفاده میکنند . وی مرتباً لبخند زده و بقدری جالب بنظر میآید که انسان بهیچ وجه نمی تواند از دیدنش خود داری نماید . اوشا سینه خود را درمقابل بیننده بازنگه میدارد - او تاریکی را دور ساخته تمام دارائی و ثروت خود را جلوه داده و جهان را بکلی روشن ساخته حواس خمسه انسان را بیدار کرده همیشه جوان و زیبا بنظر آمده ولی هر بار متولد شده لیکن در واقع او پیرو غیرفانی است . اوشا زندگی و نفس تمام جانداران است . وقتیکه پرستنده عصر ویدائی او را نگه داشته چنان تحت تاثیرش میماند که مجبور شده برایش قربانی می نمود . بامعنی دیگر میتوان گفت که بامداد نشان اختصاصی آئین قربانی است . روزعبادت و پرستش از همین قربانی شروع میشود . هر که اوشا را میپرستد اوشا او را اولاد ، دارائی ، ثروت و بندها میبخشد تا که پرستنده بتواند براحتی هرچه تمام زندگی خوش و طولانی داشته باشد . گاهی اوقات بامداد نیز طولانی است و انسان میتواند تمام ریگویدا را بخواند .

در کتاب ریگویدا ابیاتی که در وصف اوشا ذکر شده بهترین ابیات بشمار میرود و هیچ جا بهتر ازین دروصف اوشا دیده و شنیده نشده است .

اجمالاً می توان گفت تاریخچه این کلمه گویا شش هزارسال قدمت دارد و با

آریائیاها وارد این منطقه شد .

اینرا هم باید اضافه کنم که اعراب وقت غروب و در همان آن که آفتاب سرخ میشود کلمه شفق را استعمال کرده که غالباً در هر کتاب نشر و شعرو یا در هر کتاب و جائی ذکر شده آن را برای غروب آفتاب استعمال کرده اند ولی ایرانیان برای بامداد و سرخی غروب آفتاب هر دو بکار بردند .

در پایان ضمن تشکر از زحمات دوستان ایرانی که سعی دارند اصالت زبان پارسی را حفظ و حراست نمایند امید موفقیت بیش از پیش آنها را داشته و انشاء الله با همکاری دو جانبه دانش مندان زبان پارسی در ایران و هند بتوانیم به کنه اصالت روابط فرهنگی قدیم ایران و هند دست یافته و بدان وسیله تفاهم فی مابین دو ملت ایران و هند را بیش از پیش سازیم .

گناه و ثواب بزرگ = در نزد زردشت کبیره ئی که از آن زشت تر نیست نجس کردن یکی از عناصر مقدسه آتش و خاک و آب است . مثلاً در آتش افکندن و یا در آب غرق کردن و یا در خاک دفن نمودن اجساد اموات گناه بزرگ است زیرا آن سه عنصر مقدس را آلوده و ناپاک میسازد . برای این سیئه کبیره کیفرهایی مقرر است . اجساد مردگان نجس شمرده میشوند و باید آنها را دور نگاه داشت ، از اینرو آنرا در دخمه ها یا قلل جبال میکنند تا خود بخود فرسوده و تباه گردد و با طعمه طیور و سباع شود . همچنین گذاشتن بت و مجسمه و نقش صور در معابد در کیش زردشت ممنوع است . (تاریخ ادیان)